

جاي خالي سلامت اجتماعي

اطلاع رسانی بیشتر در خصوص آسیب های اجتماعی، موجب افزایش مطالبات اجتماعی در خصوص امنیت خواهد شد...



اطلاع رسانی بیشتر در خصوص آسیب های اجتماعی، موجب افزایش مطالبات اجتماعی در خصوص امنیت خواهد شد
جاي خالي سلامت اجتماعي

جام جم آنلاین: قهرمان جهان با چاقو کشته شد. طلبه جوان به شدت مضروب شد و... این دست اخبار تبدیل به موضوع روز مطبوعات شده است. اطلاع رسانی بیشتر در خصوص آسیب های اجتماعی، موجب بالا گرفتن مطالبات اجتماعی در خصوص امنیت شده است. اما مساله ای که شاید کمتر مورد توجه قرار گرفته، جایگاه و اهمیت سلامت اجتماعی است.

در گذشته ارادل و اوباش از قداره، شمشیر، پنجه بوکس، چاقو و چاقوی ضامن دار استفاده می کردند، اما اکنون جوان 17 ساله که هیچ سابقه ای ندارد، در نخستین استفاده از این ابزار مرتکب قتل می شود. گزارش های سازمان پزشکی قانونی نشان می دهد در 10 سال گذشته (1380 تا 1389) بیش از 5 میلیون و 800 هزار پرونده نزاع در پزشکی قانونی مورد رسیدگی قرار گرفته است. بین این سال ها، سال گذشته (1389) بالاترین آمار را دارد که در آن، 631 هزار و 381 مورد پرونده نزاع به سازمان پزشکی قانونی ارجاع شده است.

متوسط مراجعات پرونده های نزاع به سازمان پزشکی قانونی در 10 سال گذشته بیش از 582 هزار مراجعه در سال بوده است. با توجه به سرشماری ملی سال 1385 که در آن جمعیت کشور 70 میلیون و 472 هزار و 846 نفر و آمار متوسط 582 هزار مراجعه نزاع در سال به پزشکی قانونی اعلام شد، از هر 1000 نفر ایرانی هر سال 8 نفر به دلیل نزاع به پزشکی قانونی مراجعه می کنند. این در حالی است که بخشی از موارد نزاع بدون مراجعه به مراجع ذی صلاح قانونی با مصالحه خاتمه می گیرد و در این آمار لحاظ نشده است.

مفهوم سلامت اجتماعی

سلامت اجتماعی واژه جدیدی نیست، بلکه مفهومی است که حدود 40 سال پیش در کنار ابعاد جسمی و روانی سلامت مورد توجه قرار گرفته است. برای اولین بار در سال ۱۹۷۲ مفهوم سلامت اجتماعی با «؛ درجه عملکرد اعضای جامعه» مترادف شد و شاخص سلامت اجتماعی شکل گرفت. کم کم با طرح پرسش هایی در ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی، سلامت فردی و میزان فعالیت و عملکرد فرد در جامعه براساس این استدلال مطرح شد که سلامت امری فراتر از بیماری و قابلیت های کارکردی فرد است.

سنجش محتوای سلامت اجتماعی ابتدا از طریق تمرکز بر «؛ فرد» و در ارتباط با تعاملات میان فردی (مثلاً دیدار با دوستان) و مشارکت اجتماعی (مانند عضویت در گروه ها) مورد سنجش قرار گرفت و در اندازه گیری آن، ارکان عینی (مثلاً تعداد دوستان) و ذهنی (مانند کیفیت روابط دوستانه) هر دو در تعریف منظور شده بود. حوزه سلامت اجتماعی از سال های ۱۹۹۵ به بعد، علاوه بر نگرش کلی و عامی که بر کیفیت سلامت در میان تمام افراد دارد، در کشورهای صنعتی گرایش خاصی را در دوبرعده سلامت روانی و نیز سلامت اجتماعی آغاز کرده است. به این ترتیب «؛ ارتقای سلامت» در برگیرنده زمینه های اقدام اجتماعی برای توسعه سطح سلامت است. ارتقای سطح سلامت بر این اساس از 2 طریق امکان پذیر است که یکی از آنها توسعه شیوه های سالم زندگی و اقدام اجتماعی برای سلامت است و دیگری ایجاد شرایطی است که زیستن در یک حیات سالم را امکان پذیر سازد. موضوع اول در برگیرنده توانمندسازی انسان ها از طریق آگاهی ها و مهارت های ضروری برای یک زندگی سالم است و موضوع دوم تأثیرگذاری بر سیاستگذاران به گونه ای است که سیاست های عمومی و برنامه های حامی سلامت عمومی را در سطح جامعه پیگیری کنند که پیشگیری از انحرافات اجتماعی از گسترده ترین ارکان این بخش است.

اشخاصی که از سلامت اجتماعی برخوردارند، با موفقیت بیشتری می توانند با چالش های ناشی از ایفای نقش های اصلی اجتماعی کنار بیایند؛ آنان در خانواده هایی زندگی می کنند که از ثبات و انسجام بیشتری برخوردار است و احتمالاً می توانند مشارکت بیشتری در فعالیت های جمعی داشته باشند. باید انتظار داشت تطابق آنان با هنجارهای اجتماعی بیشتر باشد، شرایطی که می تواند نقش مهمی در پیشگیری از انحراف که ابعادی فراتر از قلمرو رفتارهای فردی دارد، داشته باشد.

مواد مخدر و سلامت جامعه

مواد مخدر یکی از معضلات اجتماعی عمده در کشور ما محسوب می شود. اعتیاد از آن جهت که توان فعالیت و تولید اقتصادی و اجتماعی را از فرد سلب می کند، مسلماً آثار سوء بر زندگی فرد معتاد و خانواده وی برجای می گذارد. تعداد بالای معتادان موجب

توسعه قاچاق و درآمدزایی از راه‌های غیرمعارف و نامناسب می‌شود؛ اما این تنها یکی از جنبه‌های گسترش خشونت است که از طریق مواد مخدر ایجاد می‌شود. کارشناسان معتقدند دلیل بسیاری از قتل‌ها و خشونت‌ها می‌تواند مربوط به استفاده لحظه‌ای از انواع مواد مخدر و قرص‌های روانگردان باشد که بین جوانان و نوجوانان شاهد هستیم. هر چند این قضیه را نمی‌توان به همه موارد تعمیم داد ولی در موارد زیادی، پرخاشگری‌ها و از دست دادن کنترل افراد و در نتیجه آن، آزار رساندن به دیگران می‌تواند به دلیل استفاده از این نوع مواد باشد، بویژه به نظر می‌رسد در قتل‌های فجیع که صورت می‌گیرد، می‌توان رد پای استفاده از مواد مخدر را دید.

با توجه به حوادث سال جاری و سال‌های گذشته و آماری که سازمان پزشکی قانونی درباره کاربرد سلاح سرد و قتل افراد به وسیله آن اعلام کرده ملاحظه می‌شود که افزایش خشونت و کاهش آستانه تحمل از عوامل اصلی وقایع تاسف‌آور ماه‌های اخیر است. از آنجا که وقوع بعضی قتل‌ها بدون مقدمه قبلی و فاقد نیت و برنامه‌ریزی از قبل بوده است، پرخاشگری لحظه و خروج کنترل رفتار، عوامل اصلی آنها قلمداد می‌شود. استفاده از مواد مخدر یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد این خشونت‌های لحظه‌ای غیرقابل کنترل محسوب می‌شود.

رفاه اجتماعی و خشونت

سرخوردگی‌های اجتماعی و فشارهای مالی و اقتصادی ریشه بسیاری از مسائل و مشکلات دیگر است. افزایش پرخاشگری ارتباط مستقیم با رفاه اجتماعی دارد. به صورت مشخص و روزمره ایجاد رفاه اجتماعی با کاهش فقر و بیکاری در کاهش خشونت می‌تواند نقش اساسی داشته باشد. رفاه اجتماعی مجموعه شرایط و کیفیت‌هایی است که نیازهای فردی (جسمی و روانی) و اجتماعی آحاد جامعه را در حد قابل توجه تأمین کرده و همه مردم از زندگی در آن شرایط احساس امنیت زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشته باشند.

نکته: اشخاصی که از سلامت اجتماعی برخوردارند با موفقیت بیشتری می‌توانند با چالش‌های ناشی از ایفای نقش‌های اصلی اجتماعی کنار بیایند آنان در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که از ثبات و انسجام بیشتری برخوردار است روی دیگر سکه رفاه اجتماعی را می‌توان مشکل اجتماعی دانست، چرا که مشکل اجتماعی، وضعیتی است که به اعتقاد اکثر افراد جامعه، کیفیت زندگی آنها را مختل می‌کند و مهم‌ترین ارزش‌های مورد توافق آنها را به خطر می‌اندازد.

درآمد اشخاص در مقابل هزینه‌های اساسی و خط فقر، گرانی و تورم، سلامت خانوادگی میزان تنش و طلاق، وضعیت کودکان و کودکان رانده شده، وضعیت و جایگاه اقتصادی - اجتماعی بانوان، وضعیت و جایگاه اقتصادی - اجتماعی جوانان، درصد بیکاری ناخواسته، اعتیاد، مدت زمان رسیدگی به جرایم، وضعیت مسکن، بوروکراسی و فساد، حوادث رانندگی و اتلاف وقت در ترافیک، بیمارستان، درصد افرادی که نیاز به درمان دارند و می‌توانند درمان شوند، از جمله شاخص‌هایی هستند که بر سلامت اجتماعی اثر می‌گذارد.

مبارزه فرهنگی

جامعه‌شناسان معتقدند در عرصه نظام اجتماعی، انسان‌هایی که در قلمرو حاکمیت فرهنگ خشونت، زاده شده‌اند در آینده خود متولی درونی کردن فرهنگ استبداد و خشونت در جامعه می‌شوند، زیرا خشونت به عنوان يك کنش، جزو ملکه ثانوی آنان شده است. چنین انسان‌هایی که در سایه فرهنگ خشونت، رشد کرده‌اند، دارای شخصیت خشن، خشک، مغرور و خودبین بارآمده و در نتیجه هیچ‌گونه انعطافی در قبال پذیرش نقد اجتماعی از خود نشان نمی‌دهند. این انسان‌ها خشونت را امری عادی می‌دانند و به مرور زمان این خشونت و درنده‌خویی به هنجارهای فکری، فرهنگی و الگوهای رفتاری آنان مبدل می‌شوند.

در این میان در جامعه مدرن امروزی، رسانه نقش بسیار مهمی در ترویج یا کنترل خشونت به عهده دارد. در يك تحقیق وسیع، پژوهشگران کانادایی به ارزیابی رفتار کودکان هنگام بازی پرداخته و از آموزگاران و هم‌بازی‌ها اطلاعاتی درباره میزان رفتار خشونت‌آمیز قبل و بعد از قرار گرفتن در معرض تلویزیون گردآوردند. آنها در بررسی‌های خود متوجه شدند که 2 سال پس از قرار گرفتن در معرض تلویزیون، رفتار روانی و کلامی کودکان در مقایسه با دوره پیش از آشنایی با تلویزیون خشن‌تر شده است.

یکی دیگر از عوامل ترویج فرهنگ خشونت انواع بازی‌های کامپیوتری خشن است که بدون هیچ‌گونه محدودیتی وارد کشور می‌شود و هر جوان و نوجوانی می‌تواند به آسانی به آن دست پیدا کند؛ بازی‌هایی که رقیب را با تفنگ و انواع سلاح‌های پیشرفته می‌کشند. امروز بازی‌های کامپیوتری در ترویج خشونت در سطح جهان مورد توجه است و در کشورهای استفاده کننده این نوع خشونت‌ها را عملاً در جامعه خود می‌بیند.

بروز خشونت در خانواده یعنی درگیری کلامی و فیزیکی والدین، بازی‌های رایانه‌ای که 95 درصد آنها دارای صحنه‌های خشن هستند، فیلم‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای که هدفمند و با برنامه پخش می‌شوند، حتی بعضی فیلم‌ها و سریال‌های داخلی، زمینه‌ها و بسترهای

اصلی خشونت در جامعه را رقم می‌زنند. از طرف دیگر، کمرنگ شدن باورهای دینی نقش مهمی در این زمینه دارد، چرا که به عنوان اهرم اصلی کنترل رفتار شناسایی می‌شود.

خشونت و وحشت، جزئی از اسطوره، ادبیات و دیگر ابعاد فرهنگی محسوب می‌شوند. رسانه‌های گروهی، وحشت و خشونت را ساده‌سازی و استاندارد کرده، سپس آنها را به عنوان بخشی از آداب و سنن روزمره وارد زندگی بسیاری از خانواده‌ها می‌کنند. قرار گرفتن در معرض وحشت و خشونت از خردسالی آغاز می‌شود و در طول زندگی ادامه می‌یابد. فرهنگ جدید از صحنه‌های خشونت و وحشت تولید شده توسط رسانه‌ها اشباع شده است و این مساله گریزناپذیر به نظر می‌رسد.

رسانه‌هایی که شبکه تلویزیونی خود را نیز تابع قانون سود و زیان بازار می‌دانند و تعهدی در قبال سلامت اجتماعی از خود نشان نمی‌دهند. تنها چیزی که در يك جامعه به ارمغان می‌آورد، نابودی سلامت اجتماعی است.

در این خصوص جای خالی آموزش مهارت‌های زندگی، کنترل هیجان و خشم و مدیریت بحران احساس می‌شود. این آموزش‌ها از روش‌های مختلف باید به افراد جامعه داده شود. در اینجا است که نقش مؤثر رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی در مقوله سلامت اجتماعی مشهود می‌شود. در واقع رسانه‌ها به عنوان مؤثرترین ابزار آگاهی بخشی به اجتماع عمل می‌کنند و می‌توانند سلامت اجتماعی شهروندان را تضمین کنند.

رسانه‌ها یکی از مهم‌ترین ابزار برای این آموزش‌ها هستند، مطبوعات و صداوسیما می‌توانند با درج تحلیل‌های کارشناسی و پخش فیلم‌ها و سریال‌های آموزنده در این رابطه تاثیرگذار باشند.

مدرسه یکی از مهم‌ترین مراکزی است که می‌تواند به اصلاح این امور بپردازد. آموزش و پرورش نقش مهمی در آموزش شیوه‌های درست رفتاری به دانش‌آموزانی دارد که در آینده می‌خواهند وارد جامعه شوند، بنابراین به نظر می‌رسد لازم است چنین آموزش‌هایی از سطح مدارس شروع شود و در هر سال تحصیلی به فراخور سن دانش‌آموزان ادامه یابد.

خانه‌های فرهنگ، مکان‌های ورزشی و سایر اماکن فرهنگی نیز از موارد مؤثر دیگری هستند که می‌توان از آنها نام برد.

علی اخوان بهبهانی / جام‌جم